

<div>مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه</div> <div>معاونت آموزش و امور حوزه‌ها</div> <div>اداره ارزشیابی و امتحانات</div>				<div>بسمه تعالی</div> <div>امتحانات ارتقای – مرداد ۱۳۹۴</div>			
				پایه:	۴	موضوع:	فقه ۱
				تاریخ:	۹۴/۰۵/۲۱	ساعت:	۱۰:۳۰
نام کتاب: المعه الدمشقیه، از کتاب الطهاره تا کتاب الصوم							
لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)							

تستی

۱. در کدام مورد نیازی به غسل میت نیست؟
 ا. الطفل (للمسلم) لو سقط إذا كان له دون أربعة أشهر ■
 ب. لقيط دارالكفر و فيها مسلم يمكن تولده منه ☐
 ج. المجنون المتوكل من المسلم ☐
 د. من أطلق عليه اسم الشهيد في الأخبار كالغريق ☐
۲. مراد از «تسطيح القبر» در مستحبات دفن چیست؟
 ا. رفع القبر عن وجه الأرض مقدار أربع أصابع ☐
 ب. عدم جعل البناء على القبور ☐
 ج. أن لا يجعل له في ظهره سنم ■
 د. وضع اليد على القبر مؤثرة في التراب مفرجة الأصابع ☐
۳. قطع الصلاة لحفظ المال اليسير الذي لا يضر فوته.
 ا. يباح ■
 ب. يستحب ☐
 ج. يكره ☐
 د. يحرم ☐
۴. کدام گزینه در مورد زکات مال التجاره صحیح است؟
 ا. در صورت گذشتن یک سال واجب است و گر نه مستحب است ☐
 ب. مطلقاً مستحب است ☐
 ج. در صورتی که سرمایه کم نشود واجب است و گر نه مستحب است ☐
 د. با وجود شرایط مستحب است ■

تشریحی

- * يغسل الثوب مرتين بينهما عصر و كذا يعتبر العصر بعدهما و لا وجه لتركه و التثنية منصوصة في البول و حمل المصنف غيره عليه من باب مفهوم الموافقة لأنّ غيره أشدّ نجاسة. و هو ممنوع. ۶۹
۱. أ. مقصود از «عصر» و جملة «كذا يعتبر العصر بعدهما» را بنویسید. ب. عبارت «و حمل المصنف غيره ...» اشاره به چه مطلبی دارد؟ توضیح دهید.
 أ. عصر: فشردن لباس. «كذا ...»: یعنی همانطوری که بین دو بار شستن فشردن لازم است، بعد از شستن دوم هم فشردن لازم است.
 ب. اشاره به جواب این اشکال که چرا مصنف برای تطهیر، تفاوتی بین بول و غیر آن قائل نشدند با اینکه دو بار شستن فقط در باب بول وارد شده است، جواب می‌دهد که چون مصنف از باب مفهوم موافق و اولویت قطعی، غیر بول را ذکر نکرده است؛ زیرا وقتی در بول دو بار شستن لازم باشد در غیر بول که نجاستش اقوی است به طریق اولی تنبیه لازم است.

* وقت العصر الفراغ من صلاة الظهر ولو تقديراً و تأخيرها إلى مصير الظل مثله أفضل. ۱۵۱

۲. أ. مقصود از «ولو تقديراً» و فایده این وقت تقدیری را بنویسید. ب. عبارت «و تأخيرها إلى مصير ...» را توضیح دهید.
 أ. یعنی اگر شروع می‌کرد به نماز ظهر، تا آن موقع نماز ظهرش تمام شده بود (با توجه به شرایطی که مصلی دارد مثل حدث و طهارت و ...) اما نماز ظهر را نخوانده است. (چون اگر ظهر را خوانده باشد فراغ تحقیقی است نه تقدیری). فایده‌اش در صورتی است که ناسیاً نماز عصر را قبل از نماز ظهر بخواند که اگر بعد از فراغ تقدیری از ظهر بوده صحیح است. او لو دخل الوقت قبل أن يتم العصر. (یک مورد کافی است) ب. یعنی بهتر است خواندن نماز عصر را تا آن موقع تأخیر بیاندازد که سایه شاخص به اندازه خود شاخص برسد.

* مسح مقدم الرأس ولو بجزء من إصبع ممراً له على الممسوح و لاحد لاكثره نعم يكره الاستيعاب إلّا أن يعتقد شرعيته فيحرم وإن كان الفضل في مقدار ثلاث أصابع. ۳۲۵/۱

۳. أ. مقصود از «لا حدّ لاكثره» چیست؟ ب. سه حکمی که برای مسح در عبارت «نعم يكره ...» بیان شده، توضیح دهید.

أ. یعنی حداکثر مسح سر، مقدار مشخصی ندارد.

ب. ۱. استيعاب؛ یعنی اینکه انسان تمام سر را مسح کند (مثل عامه) مکروه است ۲. اما اگر معتقد باشد که این نحوه مسح شرعیت دارد (از باب بدعت) مسح حرام می شود ۳. البته مستحب است (عرضاً) مسح به اندازه سه انگشت باشد.

* (صلاة الآيات) يستحب التكبير للرفع من الركوع في جميع الركعات عدا الخامس والعاشر من غير تسميع و هو قرينة كونها غير ركعات و التسميع في الخامس والعاشر خاصة تنزيلاً للصلاة منزلة ركعتين هكذا ورد النص بما يوجب اشتباه حالها و من ثمّ حصل الاشتباه لو شك في عددها نظراً إلى أنّها ثنائية أو أزيد و الأقوى أنّها في ذلك ثنائية و إنّ الركوعات افعال فالشك فيها في محلها يوجب فعلها و في عددها يوجب البناء على الأقل و في عدد الركعات مبطل. ۲۵۵

۴. أ. مقصود از «و هو قرينة كونها غير ركعات» و «تسميع» را بنویسید. ب. سه ثمره‌ای که مرحوم شارح بر ثنایی بودن نماز آیات مترتب می کنند توضیح دهید.

أ. یعنی این که بعد از رکوع‌های اول تا چهارم و ششم تا نهم، تکبیر بدون تسمیع گفته می شود قرینه است بر این که رکوعها، دال بر رکعات نیستند و نماز آیات یک نماز دو رکعتی است نه بیشتر. تسمیع یعنی: سمع الله لمن حمده گفتن.

ب. اگر شک در انجام رکوعی در همان محل کنیم باید آن رکوع را انجام دهیم، در حالی که اگر این رکوعات رکعت بودند باید بنا را بر اکثر می گذاشتیم. اگر شک در تعداد رکوعها کنیم باید بنا بر اقل بگذاریم. اگر شک در تعداد رکعات نماز آیات کنیم نارمان باطل می شود؛ زیرا شک در رکعات نمازهای دو رکعتی مبطل است.

* اختلف الأصحاب في وجوب الجمعة و ربما عبّروا عن حكمها حال الغيبة بالجواز تارة و بالاستحباب أخرى نظراً إلى إجماعهم على عدم وجوبها حينئذ عیناً و أنّما تجب على تقديره تخیيراً بینها و بین الظهر لکنّها عندهم أفضل من الظهر و هو معنى الاستحباب. ۲۴۲

۵. وجه تعبیر از حکم نماز جمعه در زمان غیبت به وجوب و استحباب چیست؟ توضیح دهید.

این تعبیر با هم تعارضی ندارد؛ زیرا وقتی تعبیر به وجوب می شود، مراد واجب تخییری است اما چون به جا آوردن نماز جمعه افضل از نماز ظهر است، پس مستحب عینی است. (بمعنی أنّها واجبة تخیيراً مستحبة عیناً)

* إن يحسن المصلّي بعض الحمد و لم يعلم غير سورة الحمد من القرآن، كرّر ما يعلمه بقدر الفائت و إن علم ففي التعويض منها أو منه قولان مأخذها كون الأبعاد أقرب إليها و أنّ الشيء الواحد لا يكون أصلاً و بدلاً. ۲۱۲

۶. دو قول و دلیل هر کدام را بنویسید.

اگر نماز گزار تنها بخشی از سوره حمد را بلد باشد نه تمامش را و مقدار دیگری هم از قرآن بلد باشد، آیا بجای آن مقدار از سوره حمد که بلد نیست از همان مقدار حمد که بلد است بخواند، یا از جاهای دیگر قرآن که بلد است بخواند؟

یک قول آن است که عوض آن مقدار از حمد که بلد نیست، از همان فاتحه الكتاب بخواند، چرا که بعض فاتحه، اقرب است به خود فاتحه از جای دیگر قرآن. اما قول دوم آن است که عوض مقداری از حمد که بلد نیست، از جای دیگر قرآن بخواند؛ زیرا یک چیز نمی تواند هم اصل و هم بدل باشد.

۷. دو اصطلاح فوق را توضیح دهید.

التخوية: فی الهوى إلى السجدة بأن يسبق بيديه ثم يهوى بركبته، أو بأن يجنح بمرفقيه و يرفعهما عن الأرض و لا يفترشهما كافتراش الأسد. (یک مورد کافی است)

التورگ: أن يجلس على وركه الأيسر و يخرج رجليه جميعاً من تحته جاعلاً رجله اليسرى على الأرض و ظاهر قدمه اليمنى على باطن اليسرى.

* و لا يجب الترتيب بين القضاء و بين الحاضرة، نعم يستحب و لو جهل الترتيب سقط لأنّ الناس في سعة ممّا لم يعلموا و لاستلزام فعله بتكرير الفرائض على وجه يحصله الحرج و العسر المنفيين في كثير من موارد. و سهولته في بعض يستلزم ايجابه فيه احداث قول ثالث. ۲۸۷

۸. أ. به چه دليل در صورت جهل به ترتيب نمازهاى قضاء، ترتيب ساقط مى شود؟ ب. عبارت «و سهولته...» اشاره به چه مطلبى دارد؟ به همراه جواب توضیح دهید.

أ. زیرا اولاً حديث به ما اجازه می دهد که در هر چه نمی دانیم در سعه باشیم و بعلاوه اگر بنا باشد در صورت جهل، بازهم ترتيب را لازم بدانیم باید آن قدر نمازها را تکرار کنیم تا مطمئن شویم آن ترتيب واقعى به دست آمده است در حالى که این، منجر به عسر و حرج می شود که در دین اسلام بسيارى از مواردش برداشته شده است. ب. اشاره به اینکه چون در بعضى از موارد تکرار نماز تا اندازه اى که به علم برسیم عسر ندارد پس فقط در همان موارد که حرجى نیست، رعایت ترتيب را ضرورى بشماریم. اما مرحوم شهيد در جواب می فرماید: لازمة این سخن احداث قول ثالث است (که با اجماع مرکب مردود است).

* للسّخال حول بانفرادها إن كانت نصاباً مستقلاً بعد نصاب الأمهات كما لو ولدت خمساً من الإبل خمساً و ابتداء حول السخال بعد غنائها بالرعى و قيده المصنف فى البيان بكون اللبن عن معلوفة و إلّا فمن حين النتائج. ۳۳۸-۹/۱

۹. ضمن تبیین معنای نصاب مستقل، سخن مصنف در «بيان» را توضیح دهید.

نصاب مستقل يعنى چه این که اولاد را با ضمیمه مادران حساب کنیم و چه بدون ضمیمه آنها، در هر صورت در حدّ نصابند. مصنف فرموده: در صورتى ابتداء سال سخال را از زمان چريدن آنها حساب می کنیم که شيرى که در پستان مادرش توليد شده از مال مالک و معلوفه باشد و إلّا اگر مادرش سائمه باشد ابتداء حول سخال را از زمان تولد حساب می کنیم.